



انلیل نامش کاردونی یا گردونه است. آتش این ارابه متعلق به عنصر آتشین ورمزد است که ماردوخ حاکم آن است.

این یادداشت را نوشتم تا به چگونگی پیدایش واژه ی نارونا یا نارینیم و ایچه و ئیران شهر بپردازم.

نارونا را که شرح دادم و اکنون به نارینیم و ایچه می پردازم.

نار ئین ئیم وائی چه، نار ئئین گیم و ایچه، نار ئین خیم و ایچه، نار ئین خبو و ایچه، نار ئین ئیو و ایچه، نار ئینئی و ایچه، نار ئینئی و ایگه، نار ئینئی گایوه، نار ئینئی خایوه، نار ئینئی خوه، نار خوه ئینئی، خوه ئینئارئی، خونیرهئی، خونیرث که در کتاب مینوی خرد آمده است. اما خونیره بامیک یعنی چه؟

بامیک، بامیگ، بامیخ، بانیخ، باخین، باخون، باهون، ئین ئاب، گین ئاب، گی ئی ئین بای، گینئیمای، ئینیه، ئاوبه و خونیره بامیک یعنی خورینه یا خورشیده ی ئاینهوار و آن قرص درخشان است. و آن درخونه یا درپوش تنور است که تنسر است یعنی به شکل خرچنگ است و مانند آن می چرخد. این درپوش تنور استعاره از چرخ است. و این چرخ مال ایزد انلیل است و این چرخ درخشان آینه وار یا آگون در ستون دود و گردباد می چرخد و بالا می رود. خونیره بامیک یعنی "ارابه ی آینهوار!" درخشندگی آینه نقره ای رنگ است نه طلایی رنگ.

سالهاست یک دروغ را به نام نژاد و هویت و ملیت و شناسنامه ی ملی با این دو واژه به مردم ایران دادند و داداش هیتلر شان هم رفت و با یک مشت دروغ از این کثیفتر مردم بدبخت آلمان را گول زد به اسم نژاد برتر و خون آریایی، اروپا را به آتش کشید و میلیونها آدم را کشت و میلیونها یهودی را به کوره های آدمسوزی فرستاد. سر یک سر موهمات و جعلیات.

آن علامت صلیب شکسته به کاسه ی سامراء از زمان سومریها مربوط است. اما آن صلیب شکسته علامت روح یا خن نیست. علامت صلیب اعدام حضرت عیسا هم نیست. علامت تثلیث هم نیست. بلکه علامت چرخ گردونه ی ایزد انلیل است که من شرحش را گفتم. این چرخ گردونه هم که در برج خرچنگ یا تنسر قرار دارد مهر و موم نامه ی ایزد لؤلان است که بعدا درباره اش مفصلتر خواهم نوشت.

فکر کن درپوش یک استوانه به شکل خرچنگ است و مانند آینه ی درخشان است و تو باید آن را در جهت عقرب های ساعت بچرخانی تا باز شود و تو آن را برداری و پیماننامه ی ایزد لؤلان را که راز خلقت است و داخل این استوانه است باز کنی و مفاد آن را بخوانی.

این مهر توسط خدای بی نام یعنی " یاهو" در روز قیامت باز خواهد شد زیرا به نام او نوشته شده است. زیرا با اجازه ی او ایزدان آنونناکی که خاندان ایزد انو جامدار پادشاه آسمانها ایزد آلالوس یا لولان هستند با شخص شاه لولان و فرزند او کوماری و تنسر منشی او و گوده‌نا قاضی دیوان و سایر مقامات دربار او در تنظیم و تدوین این راز خلقت یا پیماننامه ی آلالوس نقش داشته اند.

یاهو در روز قیامت این راز سر به مهر را خواهد گشود... زیرا همگی در ذهن او قرار داریم، یعنی بود و نبود در ذهن او قرار دارند.

یهودیان از اصیلترین شاخه های نژاد آریایی هستند همانند کردها و مردم آناتولی و ارمنیها و لرها و فارسی زبانهای مرکز کشور کنونی ایران.

اینها را در این سه سال نوشته ام اما لازم دیدم این بار با صراحت و جزئیات بیشتری بنویسم و این موضوع را برای همیشه ختم کنم. اگر آریینم و ایچه به معنای سرزمین فارسی زبانان است پس لابد بپذیریم زبان فارسی یعنی زبان تنوره و صغیر گردباد... این چه حرف مهملی است؟

عجم فارسها اگر دوست دارند با آوردن میلیونها تبعه ی افغانستانی برای خود هویت درست کنند آزاد هستند اما نه به حساب زبان، فرهنگ، تاریخ و هویت کردها.

هر ایرانی اصیل هم می داند که ریشه های هویتی اش در زاگرس و توروس و بین النهرین است نه آسیای مرکزی. این طور فکر می کنی آزاد هستی اما نمی توانی ما را هم همفکر خودت کنی چون حقیقت همین است که گفتم.

اما شطرنج هم توسط برزویه ی حکیم از هندوستان به سرزمین ساسانی ها آورده نشده است... شرح شطرنج در جام حسنلو موجود است برارجان! و عزیزم وقتی درباره ی سقز اینهمه نام و عبارت را ریز می کنم که بیشتر درباره ی آن نوشته شده است به دلیل این نیست که " منال سقز" هستم بلکه این کاملا تصادفی یا کاملا بازی تقدیر است که من اهل این شهر باشم و محیط را بشناسم و مطالعه داشته باشم و کنجکاو شوم و چیزهای دیگر دخیل هستند تا شرایط مکانی و زمانی و همه چیز فراهم شود و من اینها را بنویسم تا حقیقت آشکار شود.

اگر هم جانم به خطر بیفتد تقصیر من نیست خواست خدا است و کسانی که بخواهند برای من خطر ایجاد کنند خدا حسابشان را کف دستشان می گذارد. پس من از خطرهای نمی هراسم زیرا خدا با من است.

بیشتر از این خودت را مایه ی مسخره ی خردمندان نساز!